

شنبه 27 تیر 25 رجب 18 ژوئیه

امام موسی بن جعفر(ع)، هفتمین امام شیعیان است. لقب های وی عبارتند از: کاظم، صالح، صابر، امین و عبدصالح. هم چنین در میان شیعیان به "باب الحوائج" معروف می باشد.

**شهادت امام موسی کاظم(ع) در سال 183 هجری قمری**

امام موسی بن جعفر(ع)، هفتمین امام شیعیان است. لقب های وی عبارتند از: کاظم، صالح، صابر، امین و عبدصالح. هم چنین در میان شیعیان به "باب الحوائج" معروف می باشد. آن حضرت، مکنی به: ابوابراهیم، ابوالحسن اول، ابوالحسن ماضی، ابوعلی و ابواسماعیل می باشد.

امام موسی کاظم(ع) در هفتم صفر سال 128 و یا 129 قمری در أبوا (روستایی در میان مکه و مدینه)، از بانویی پرهیزکار و صالحه، به نام "حمیده بربریه"، که معروف به "حمیده مصفاه" بود، دیده به جهان گشود و در بیست سالگی، پس از شهادت پدرش امام جعفر صادق(ع)، به امامت شیعیان نایل آمد.

ایام امامت وی، معاصر بود با خلافت چهار تن از خلفای عباسی (منصور دوانقی، مهدی، هادی و هارون الرشید). امام کاظم(ع) از سوی تمام خلفای مزبور، در رنج و عذاب بود و چندین بار از سوی آنان دستگیر و زندانی گردید. تنها در دوران خلافت هارون الرشید، به مدت چهار سال (از شوال سال 179 تا زمان شهادتش در سال 183 قمری) در حبس و شکنجه بود. هارون الرشید (پنجمین خلیفه عباسی) که دشمنی و ناسازگاری غیر قابل انکاری با ذراری حضرت فاطمه زهرا(س) و اولاد و احفاد امیر مومنان(ع) داشت، در آزار و شکنجه سادات علوی و منتسبین به خاندان امامت و ولایت، کوتاهی نمی کرد. وی که از مستبدترین حاکمان عباسی و جنایت کارترین آن ها است، وجود شریف امام موسی کاظم(ع) و مقام و معنویت وی و احترام مردم نسبت به او را، تحمل نمی کرد و از این بابت، بسیار ناراحت و عصبانی بود.

سرانجام در رمضان سال 179 قمری، که برای مراسم عمره وارد مکه شد و سپس به مدینه رفته بود، در آن جا دستور داد امام موسی کاظم(ع) را دستگیر کنند.

مأموران هارون، امام موسی کاظم(ع) را در حالی که در کنار قبر جدش حضرت محمد(ص)، به نماز و نیایش اشتغال داشت، دستگیر کردند و به نزد هارون بردند.

هارون دستور داد، وی را در غل و زنجیر کرده و به سوی عراق حرکت دهند. وی برای سردرگمی مردم و پیش گیری از عکس العمل های احتمالی مردمی، دو محمل ترتیب داد و یکی را به سوی بغداد و دیگری را به سوی بصره روان داشت. امام موسی کاظم(ع) را در محمل بصره قرار داد. مأموران حکومتی، در هفتم ذی حجه همان سال، امام موسی کاظم(ع) را تسلیم عیسی بن جعفر بن منصور دوانقی، پسر عموی هارون الرشید و حاکم وی در بصره نمودند. عیسی بن جعفر، آن حضرت را در یکی از حجره های خانه خویش محبوس کرد و در آغاز به وی سختگیری نمود ولی بعدها که عبادت و نیایش های دراز مدت آن حضرت را از نزدیک مشاهده کرد، از سختگیری خویش نسبت به آن حضرت کاهید و به هارون نامه نوشت که آن حضرت را از حبس خانه وی خارج کند، در غیر این صورت، وی خودش آن حضرت را آزاد می کند.

هارون، بناچار امام موسی کاظم(ع) را از حبس بصره خارج کرد و وی را به بغداد منتقل نمود و در خانه فضل بن ربیع، زندانی کرد.

در آن مدتی که امام(ع) در نزد فضل بن ربیع زندانی بود، چند بار هارون از فضل بن ربیع درخواست کرد که آن حضرت را به شهادت رساند، ولی وی امتناع کرد و از این امر سر باز زد.

هارون، بار دیگر آن امام همام را از زندان فضل بن ربیع، به زندان فضل بن یحیی برمکی منتقل کرد و از وی درخواست نمود که آن حضرت را به شهادت برساند. ولی فضل بن یحیی نیز امتناع نمود و در مقابل بر اعزاز و اکرام آن حضرت افزود. هارون که از رفتار فضل بن یحیی به خشم آمده بود، دستور داد وی را دستگیر و یکصد تازیانه بر بدنش بزنند و از تمام مناصب و مقامات بر کنارش کنند و امام موسی کاظم(ع) را به زندان "سندی بن شاهک" منتقل کرده و در آن جا وی را شکنجه و آزار نمایند.

سندی بن شاهک با قساوت قلب و سنگ دلی تمام، با آن حضرت رفتار می کرد و پس از چندی شکنجه و آزار طاقت فرسا به دستور هارون الرشید به آن حضرت، خرماي مسموم خوراند و وی را غریبانه و مظلومانه در 25 رجب سال 183 قمری به شهادت رسانید.

پس از شهادت امام کاظم(ع)، سندی بن شاهک در يك عمل فریب کارانه، فقها، قضات و بزرگان بغداد را حاضر ساخت و جسد مطهر امام(ع) را به آنان نشان داد و گفت: ببینید که وی بدون هیچ جراحت و زخمی و به اجل عادی از دنیا رفته است و کسی در رحلت وی، مقصر نبوده است. سپس جنازه مطهر امام(ع) را به مدت سه روز در جسر بغداد گذاشته و روی مبارکش را گشوده و مردم را ندا می کردند که این موسی بن جعفر(ع) است که از دنیا رفته و بیايید وی را مشاهده کنید. مردم دسته، دسته می آمدند و آن حضرت را نگاه می کردند.

پس از آن، با همت والای سلیمان بن منصور، عموی هارون الرشید، که از اشراف و صاحب نفوذان عباسی بود، تشییع جنازه

باشکوهی از جنازه امام موسی کاظم(ع) به عمل آمد و در مقابر قریش، در بغداد به خاک سپرده شد. قبر شریف امام موسی کاظم(ع)، هم اکنون در کاظمین، که عراقی‌ها، آن را کاظمیه می‌گویند، قرار دارد و قبر فرزندان اش حضرت امام محمدتقی(ع) نیز در جوار وی می‌باشد و زیارتگاه شیعیان و شیفتگان مکتب اهل بیت(ع) می‌باشد. شیخ مفید(ره) درباره شخصیت امام موسی کاظم(ع) گفت: و کان ابوالحسن موسی(ع)، أعبد أهل زمانه، و أفقههم، و أسخاهم کفًا و اکرمهم نفسا.

یعنی: ابوالحسن امام موسی کاظم(ع)، از همه مردم عصرش پارساتر، داناتر، سخاوتمندتر و گرامی‌تر بود. هم چنین در جای دیگر گفت: و قد روي الناس عن أبي الحسن موسی(ع) فأکتروا، و کان أفقه أهل زمانه حسب ما قدمناه و احفظهم لکتاب الله، و احسنهم صوتا بالقرآن، و کان اذا قرأ یحزن، و یبکی السامعون لتلاوته و کان الناس بالمدينه یسمونه زين المتهدجين، و سمي بالکاظم لما کظمه من الغیظ و صبر علیه من فعل الظالمين به، حتی مضی(ع) قتیلا فی حبسهم و وثاقهم.

یعنی: مردم (منظور علمای اهل سنت) روایات فراوانی از ابی الحسن امام موسی کاظم(ع) روایت کردند و چنانچه پیش از این بیان کردیم، آن حضرت را از همه معاصرانش داناتر و آگاه‌تر به کتاب الهی می‌دانستند و گفته‌اند که آن جناب، کتاب خدا (قرآن مجید) را از همه بهتر و با صدای دلنوازتر تلاوت می‌کرد و در هنگام قرائت قرآن مجید، می‌گریست و آن‌هایی که در آن جا حاضر بودند، نیز می‌گریستند و مردم مدینه آن حضرت را زینت عبادت پیشه‌گان و شب‌زنده‌داران می‌نامیدند و چون همواره خشم خود را فرو می‌نشانید و در برابر ستمگری‌های ستمگران بردباری می‌نمود، وی را "کاظم" نامیدند و سرانجام در بند و زندان آنان به شهادت رسید.

آغاز هفته نیروی انتظامی

پس از قبول قطعنامه 598 و برقراری آتش بس میان ایران و عراق، مسأله ادغام نیروهای انتظامی از طرف وزارت کشور و نمایندگان مجلس به منظور برقراری هر چه بهتر امنیت در داخل کشور و مرزهای جمهوری اسلامی، جلوگیری از صرف هزینه‌های اضافی و همچنین تداخل وظایف، مسئولیتها و مأموریت‌های مشابه، مطرح و به طور جدی دنبال و سرانجام پس از بحث و بررسی‌های فراوان قانون ادغام نیروی انتظامی شامل 11 ماده و 10 تبصره در 27 تیرماه 1369 از تصویب مجلس گذشت و به تأیید شورای نگهبان رسید.

پس از گذشت 6 ماه از تصویب این قانون، ادغام نیروی انتظامی سابق آغاز شد و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در 12 فروردین 1370 با تأیید فرماندهی کل قوا به منصفه ظهور رسید.

بر اساس ماده 1 این قانون وزارت کشور موظف گردید، نیروهای انتظامی موجود آن زمان (شهربانی، کمیته و ژندارمری) را حداکثر ظرف مدت یک سال ادغام نماید و سازمانی تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. ماده 2 این قانون می‌گوید:

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور که فرمانده آن از طرف فرمانده کل قوا منصوب می‌شود.

بنابر ماده 3 قانون یاد شده، هدف از تشکیل نیروی انتظامی، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی، نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است. مأموریت و وظایف نیروی انتظامی براساس ماده 4 این قانون مشتمل بر 25 بند است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی.

مقابله. مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات.

تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راه پیمایی‌ها و فعالیتهای قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هرگونه تشکل و راه پیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیتهای غیر مجاز.

اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمانها و یگانهای اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها. حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آنها باستثنای موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفاي حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انصاری اقتصادی دریاها.

اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و... حفظ حریم راههای کشور.

اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی و...

براساس ماده 5 نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمانهای حفاظت اطلاعات و عقیدتی سیاسی این نیرو از ادغام سازمانهای مشابه در نیروهای انتظامی سابق تشکیل گردید. در تبصره یک این ماده آمده است:

این سازمانها وظایف و مأموریت‌های سازمانهای همنام خود را بر اساس قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران عهده دار خواهند بود.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در حکم انتصاب رئیس سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی حجت الاسلام والمسلمین محمد علی رحمانی فرمودند:

هدایت دینی و توجیه سیاسی مسئولان و کارکنان آن نیرو سهم وافری در حسن عمل و رفتار شایسته آنان که در رابطه نزدیک با مردم می باشند، خواهد داشت و مایه حفظ پاکدامنی و صحت عمل آنان خواهد شد.

با نگاهی گذرا به رئوس فعالیت‌های پرسنل نیروی انتظامی طی سالهای گذشته به میزان تلاش، فداکاری و ایثار این انسانهای نمونه و شریف در انجام وظایف محوله به این نیرو پی خواهیم برد، و از این رهگذر به نقش سرنوشت ساز آنان در استقرار امنیت و تأمین آسایش عمومی و به طور کلی حاکمیت نظام اسلامی بیش از پیش آگاه می شویم.

- 1- تأمین امنیت عمومی شهرها و حفاظت از امنیت روستاها و مناطق دور افتاده کشور.
- 2- مبارزه با عوامل بزهکار، جرم و ناامینی در جامعه.
- 3- تأمین امور انتظامی دستگاه عظیم اداری کشور.
- 4- مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر به عنوان ریشه دارترین توطئه فرهنگی - اجتماعی.
- 5 - نظم و هدایت امور ترافیکی جاده ای به عنوان شریانهای حیاتی اقتصاد و ارتباطات کشور.
- 6- انتظام بخشیدن به امور ترافیکی و حمل و نقل شهری.
- 7- حفاظت از مرزها در قالب پاسگاه ها و پادگانهای مرزی.
- 8- انجام امور اجرایی مربوط به اتباع کشورهای خارجی در بعد انتظامی و کنترل عملکرد آنان در داخل کشور.
- 9- عهده دار بودن امور انتظامی زندانها و دارالتأدیبها و همچنین ضابط بودن برای قوه قضائیه و مراجع اعمال قانون و حاکمیت آن در سراسر کشور.
- 10- همکاری با شبکه جهانی پلیس (اینترپول) در راستای اهداف این سازمان بین المللی در خصوص شناسایی و استرداد مجرمین طبق توافق نامه ها و کنوانسیون های بین المللی.

علاوه بر موارد فوق برگزاری موفق مراحل متعدد همه پرسه ها و انتخابات در سراسر کشور طی سالیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت نیروی انتظامی، امنیتی حراستی این نیرو تحقق یافته است، به نحوی که ایران اسلامی در زمینه برگزاری انتخابات سالم و آرام یکی از موفق ترین و با فرهنگ ترین کشورهای جهان بوده است.

از سوی دیگر از هنگام تجاوز عراق تا پذیرش قطعنامه 598، جبهه های نبرد شاهد حضور یگانهای متعددی از نیروهای انتظامی بود که علی رغم شرح وظایف سازمانی مشخص خود، در جبهه های جنگ با متجاوزان بعثی صحنه هایی از ایثار و فداکاری را به منصفه ظهور رساندند.

خیل شهدای کلیه نیروهای انتظامی کشور ضمن این که شاهدهی بر این گفته است خود گویای مراتب ایمان، رشد، اعتقاد، وفاداری و تعهد آنان به اسلام، ولایت فقیه و جمهوری اسلامی است که خود مظهر تحقق اراده ملت مسلمان ایران است.

بخشی از رهنمودهای امام خمینی "ره" به پرسنل نیروی انتظامی:

شما امروز در رژیم اسلامی واقع هستید، یعنی رژیمی که اساسش بر این است که مردم با طبقات ارتش و ژاندارمری و شهربانی خودشان را از هم جدا ندانند. شما خودتان را از آنها بدانید، آنها هم خودشان را از شما بدانند و با آغوش باز از شما پذیرایی کنند. شما که این معنا را در ذهن مردم با اعمالتان وارد کنید... امروزی روزی است که ملت با این قشرهای انتظامی رفیق اند و دوست اند و برادرند. آنها می خواهند حفظ کنند این انتظامات را برای ملت. ملت وقتی دید که این طایفه خدمتگزار او هستند و محبت به او می کنند، به کسی که خدمت به او می کند، حفظ می کند نظم مملکتش را، قهرراً علاقمند می شود. شما کوشش کنید که همین معنایی را که الآن هست که بنا این است که رژیم جمهوری اسلامی رژیم مردمی باشد و همه با هم باشند، در دل ها زنده کنید.

... شما امروز شهربانی دولت جمهوری اسلامی هستید، افرادی یکی یکی باید ملاحظه این را بکنند که من در شهربانی اسلامی دارم کار می کنم. رئیس شهربانی هم باید همین معنا در ذهنش بیاورد. جمعیت تان هم باید همین معنا را در ذهنش باشد که ما در یک مملکتی می خواهیم شهربانی بکنیم که این مملکت مال امام زمان - سلام الله علیه - است، مال حضرت امیر سلام الله علیه - و مال پیغمبر(ص) است. ما داریم خدمت به پیامبر و اسلام می کنیم. ما نباید به مردم حالا - عرض کنم که - قدرت فروشی بکنیم. خیال بکنیم ما یک قدرتمندی هستیم و مردم چیزی نیستند. اگر این کار را بکنید محبوب مردم نیستید. دلها تان مطمئن، آرام، وقتی شب می روید منزل، با دل آرام منزل می خوابید، هیچ تشویشی در خاطر نیست. اما اگر یک رژیمی باشد که مخالفت بخواهد بکند، حتی آن کس که ظالم است بر حسب نوع مردم - مگر بعضی شان که دیگر متبدل به یک حیوانی شده اند - آنها ناراحت اند از این که اذیت کنند مردم را، این یک چیز جلی است، آدم وقتی هم به یکی اذیت بکند خودش هم ناراحت می شود. اما در این رژیم باید همه با دل راحت انشالله و با قدرت، اما قدرت برای اشخاصی که فساد می کنند، و رحمت برای دوستان خودتان، "اشدا علی الکفار رحما بینهم" دستور خداست که وصف مومنین این است که در مقابل اجانب می ایستند قوی، بین خودشان دوست و رفیق و رحیم و اینها..."

رهنمودهایی از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی" به پرسنل نیروی انتظامی:

... آنچه من از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی توقع دارم در سه فصل قابل بیان است. خصوصیت اول اقتدار است. نیروی انتظامی باید دارای اقتدار باشد. اقتدار یک امر معنوی است و با صدای کلفت و اسلحه تیز و مشت محکم تفاوت دارد. اقتدار ظاهری در حقیقت اقتدار نیست. باید وضعیتی به وجود آید که هم نیروی انتظامی در خود احساس قدرت کند و هم آحاد ملت دریابند که پاسدار و حافظ امنیت فردی و اجتماعی آنها، یک مجموعه مقتدر و تواناست.

خصوصیت دوم عزت نفس است. نیروی انتظامی باید در چشم مردم عزیز باشد. این عزت از رفتار نیروی انتظامی و چگونگی

انجام وظیفه او ناشی می‌شود. اگر کسی آلوده و اسیر شهوت و تملق و یا وابسته به پول و مادیات بود، بدون استثنا در چشم مردم دلیل می‌شود و به دنبال آن سقوط خواهد کرد. پس عزت نیروی انتظامی به این است که پارسایی و پاکدامنی در تمام ارکان آن مشاهده شود و همه احساس کنند که این نیرو پاکدامن است و خود را آلوده نمی‌کند و برای عوضهای قلیل مادی و حقیر مادی و پست ارزشی قائل نیست. این یک امر روحی و معنوی است که برای نیروی انتظامی عزت خواهد آورد.

خصوصیت سوم رحمت و مهربانی است. باید نسبت به مردمی که می‌خواهید از خانه، جاده، امنیت، مرز و کسب و کار آنها محافظت کنید احساس رأفت و رحمت داشته باشید. مردم باید این معنا را لمس کنند که همان نیروی مقتدر و باصلابتی که در مقابل مخلّ امنیت با کمال قدرت و صلابت می‌ایستد، وقتی با مردم و افراد مظلوم مواجه می‌شود با رحمت و رأفت برخورد می‌کند. پس سه عنصر قدرت، عزت و رحمت خصوصیاتی است که در نیروی انتظامی پیدا شد. این نیرو در حدی خواهد بود که جامعه اسلامی می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای کارآمد و قابل قبول به او تکیه کند.

نکته‌ای وجود دارد که در حقیقت محور این بحثها است، و آن موضوع دفاع از ارزشهای اسلامی است. هم شما و هم آحاد ملت ایران باید به این نکته توجه کنید. اگر مجموعه‌ای با قدرت و عزت در میان مردم ظاهر شد، همه باید بدانند که این مجموعه بنا دارد از ارزشهای اسلامی دفاع کند. در درون نیروی انتظامی باید ارزشهای اسلامی معیار و میزان باشد.

سالروز پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران

در 27 تیرماه 1367 و در یک اقدام نفس گیر و ناگهانی جمهوری اسلامی ایران قطعنامه 598 سازمان ملل متحد را پذیرفت تا حسن نیت خود را در هشت سال دفاع مقدس ثابت نماید و دشمن متجاوز را در چهارچوب قوانین بین‌المللی به تمکین وادارد. قرارداد معروف 1975 که به مرزهای معین دو کشور تاکید می‌کرد از جمله بدیهی‌ترین مواردی بود که جمهوری اسلامی ایران، رژیم عراق را به پایبندی نسبت به آن فرا می‌خواند.

سیرت تجاوز کار دشمن علیرغم پذیرش قطعنامه 598 از سوی جمهوری اسلامی ایران باز هم بروز و ظهور یافت. باز هم قوای مسلح عراق با بهره‌گیری از مزدوران خود فروخته استکبار، مرزهای کشور اسلامی ما را در نوردیدند و هجومی دیگر را به شهرها و روستاهای ایران آغاز کردند.

یکی دلایل واهی رژیم بعث عراق برای تجاوز به حریم نظام جمهوری اسلامی ایران، اختلاف بر سر مرزهایی است که در قرارداد 1975 الجزایر تعیین شده بود. پس از نزدیک به هشت سال جنگ نابرابر که تمام موجودیت رژیم عراق در خطر قرار گرفت، آمریکا و دیگر متحدان و یاوران رژیم بعث عملاً وارد جنگ گردیدند.

حضرت امام خمینی (ره)، با در نظر گرفتن مصالح عالی نظام اسلامی و با درک توطئه گسترده آمریکا و غرب برای سرکوب انقلاب اسلامی و مردم مسلمان و انقلابی ایران، پس از مشورت با فرماندهان عالی نظام و مسئولان مملکتی، قطعنامه 598 شورای امنیت را پذیرفتند. شورای امنیت در این قطعنامه دو کشور ایران و عراق را به برقراری آتش بس و صلح دعوت کرده بود. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های مثبت برخی از مفاد این قطعنامه به ویژه، بندهای مربوط به معرفی متجاوز و پرداخت غرامت جنگی، موافقت خود را با پذیرش آن اعلام کرد. اما با وجود پذیرش قطعنامه 598 توسط جمهوری اسلامی ایران، رژیم عراق که خود نیز آن قطعنامه را پذیرفته بود، تا زمان برقراری آتش بس رسمی در مرداد ماه سال 1367 ش (اوت 1988م) به تهاجمات خود علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه داد و خوی تجاوزگری خود را بار دیگر آشکار ساخت.

پس از پذیرش قطعنامه 598 از طرف ایران، آتش بس میان طرفین از تاریخ 29 مرداد 1367 برقرار شد. شورای امنیت در تاریخ 18 مرداد 67، قطعنامه 619 را تصویب کرد که به موجب آن گروه ناظران نظامی ایران و عراق و سازمان ملل که از حدود چهارصد نفر از 25 ملیت مختلف تشکیل شده بود، در دو کشور مستقر شدند.

همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند:

"کسانی که در جبهه‌های سیاسی مسئول دفاع از انقلاب و نظام اسلامی بودند، فضای سرد سیاسی و توطئه‌های گوناگون دشمنان اسلام در عرصه بین‌المللی را بیش از دیگران احساس کردند. آنان با فداکاریهای خود در کنار ارتش، سپاه، بسیج و آحاد ملت ما، دشمن را مبهودت ساختند و من این پیروزی بزرگ سیاسی و

بین‌المللی را به دست اندرکاران پیگیری قطعنامه 598 که تلاش قابل‌تحسینی را به انجام رساندند، تبریک می‌گویم." و اما موضوع قطعنامه 598:

شورای امنیت پس از مشورتهای فراوان و با توافقات اصولی به عمل آمده در 29 تیرماه 1367 (20 ژوئیه 1987 میلادی) در جلسه شماره 2750 خود طرح قطعنامه‌ای را که قبلاً در خصوص کلمه به کلمه آن توافق شده بود به اتفاق آرا به تصویب رساند. طرح قطعنامه را اعضای دائم شورا تهیه کرده بودند و نظریات اعضای غیردائم نیز تا حدودی لحاظ شده بود. متن قطعنامه 598:

شورای امنیت، با تأیید مجدد قطعنامه (1986 میلادی) 582 خود، با ابراز نگرانی عمیق از این که علی‌رغم درخواستهایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق به شدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد، با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتیرانی بی طرف یا هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین‌المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، بویژه کاربرد سلاحهای شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل 1925 ژنو، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد، معتقد شد که می‌باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید.

با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه تعهد همه دُول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، با حکم به این که در منازعه ما بین ایران و عراق زمینه صلح حاصل شده است، با اقدام براساس مواد 39 و 40 منشور ملل متحد:

- 1- خواستار آن است که به عنوان يك قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق يك آتش بس فوری را رعایت کرده، به تمامی عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمامی نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.
- 2- از دبیرکل درخواست می کند که يك تیم ناظر ملل متحد را برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.
- 3- مصرانه می خواهد اسرایی جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، براساس کنوانسیون سوم ژنو 12 اوت 1949، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.
- 4- از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و در تلاشهای میانجیگرانه برای حصول يك راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.
- 5- از تمامی کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.
- 6- از دبیرکل درخواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسأله تفویض اختیار به يك هیأت بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.
- 7- ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاشهای بازسازی با کمکهای مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می کند که هیأت کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نمایند.
- 8- همچنین از دبیرکل درخواست می کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راههای افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مدافه قرار دهد.
- 9- از دبیرکل درخواست می کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.
- 10- مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلسات دیگری مجدداً تشکیل دهد.